

ضعف آموزش در مدارس مناطق دو زبانه

فیاض جعفری^۱، ریبوار راوند^۲، کیهان نصری^۳

^۱آموزگار دبستان‌های آموزش و پرورش استان کردستان، ایران

^۲آموزگار دبستان‌های آموزش و پرورش استان کردستان، ایران

^۳آموزگار دبستان‌های آموزش و پرورش استان کردستان، ایران

چکیده

آموزش در مناطق دوزبانه با چالش‌های متعددی مواجه است که مستقیماً بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. در این مناطق، زبان آموزش معمولاً با زبان مادری دانش‌آموزان متفاوت است و این ناهماهنگی زبانی موجب کاهش درک مفاهیم درسی، افت تحصیلی، و گاه بیگانگی فرهنگی می‌شود. کمبود معلمان متخصص در تدریس دوزبانه و نبود منابع آموزشی متناسب با نیازهای زبانی و فرهنگی دانش‌آموزان، از دیگر عواملی است که به ضعف آموزش در این مناطق دامن می‌زند. پیامدهای این معضل شامل کاهش اعتماد به نفس، ترک تحصیل زودهنگام، و تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است. با این حال، به‌کارگیری مدل‌های آموزش دوزبانه، تربیت معلمان متخصص، و تولید محتوای آموزشی متناسب می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند. این پژوهش با تمرکز بر بررسی ابعاد مختلف ضعف آموزشی در مدارس مناطق دوزبانه و ارائه راهکارهای عملی، گامی در جهت تحقق عدالت آموزشی و حفظ تنوع فرهنگی برداشته است.

کلیدواژه‌ها: آموزش دوزبانه، زبان مادری، عدالت آموزشی، نابرابری زبانی، ترک تحصیل، هویت فرهنگی، مناطق دوزبانه.

مقدمه

آموزش یکی از اساسی‌ترین ارکان پیشرفت هر جامعه است که تأثیر مستقیمی بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. با این حال، چالش‌های متعددی در مسیر ارائه آموزش باکیفیت در جوامع مختلف وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در مناطق دوزبانه مشاهده می‌شود. مناطق دوزبانه، به مناطقی اطلاق می‌شود که زبان مادری بخش قابل‌توجهی از جمعیت آن‌ها با زبان رسمی آموزش در مدارس متفاوت است. این تفاوت زبانی، که گاه همراه با تفاوت‌های فرهنگی نیز هست، می‌تواند چالش‌های زیادی در فرآیند یادگیری و آموزش به وجود آورد.

در مدارس مناطق دوزبانه، دانش‌آموزان غالباً مجبورند آموزش خود را به زبانی غیر از زبان مادری‌شان آغاز کنند، امری که می‌تواند مانعی بزرگ برای یادگیری مؤثر باشد. این وضعیت، نه تنها توانایی یادگیری مفاهیم درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه گاه منجر به کاهش اعتماد به نفس و احساس بیگانگی در دانش‌آموزان می‌شود. افزون بر این، معلمان نیز ممکن است به دلیل عدم آشنایی کافی با زبان یا فرهنگ محلی، نتوانند ارتباطی مؤثر با دانش‌آموزان برقرار کنند، که این مسئله نیز به نوبه خود کیفیت آموزش را کاهش می‌دهد.

ضعف در آموزش مناطق دوزبانه تنها به زبان محدود نمی‌شود؛ بلکه عواملی همچون کمبود منابع آموزشی مناسب به زبان مادری، کمبود معلمان دوزبانه یا آموزش‌دیده برای تدریس در چنین محیط‌هایی، و همچنین بی‌توجهی به نیازهای فرهنگی و زبانی جوامع محلی، به این مشکل دامن می‌زنند. این شرایط می‌تواند منجر به نابرابری‌های آموزشی شود و فرصت‌های برابر برای پیشرفت تحصیلی را از دانش‌آموزان سلب کند.

از سوی دیگر، بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر توسعه انسانی و اجتماعی جوامع دوزبانه داشته باشد. دانش‌آموزانی که در فهم مفاهیم اولیه آموزشی مشکل دارند، احتمالاً در مراحل بعدی تحصیل خود با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد. این موضوع می‌تواند به ترک تحصیل زودهنگام، پایین آمدن سطح سواد، و کاهش مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود.

با وجود چالش‌های ذکر شده، راهکارهایی وجود دارند که می‌توانند به بهبود وضعیت آموزش در این مناطق کمک کنند. از جمله این راهکارها می‌توان به استفاده از مدل‌های آموزش دوزبانه، آموزش معلمان برای تدریس در محیط‌های چندفرهنگی، و تولید محتوای آموزشی به زبان مادری اشاره کرد. این اقدامات می‌توانند نه تنها کیفیت آموزش را افزایش دهند، بلکه به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز کمک کنند.

در نهایت، توجه به ضعف آموزش در مدارس مناطق دوزبانه، نه تنها یک ضرورت آموزشی، بلکه یک مسئله حقوق بشری است. آموزش باکیفیت و برابر، حق همه کودکان است و تلاش برای بهبود آن، گامی مهم در جهت عدالت اجتماعی و پیشرفت پایدار جامعه خواهد بود.

بیان مسئله

آموزش یکی از مهم‌ترین ابزارها برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در هر جامعه است. اما در مناطقی که دانش‌آموزان با زبان مادری متفاوت از زبان رسمی آموزش روبرو هستند، این فرآیند با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. مناطق دوزبانه، به دلیل تنوع زبانی و فرهنگی، به توجه و برنامه‌ریزی خاصی نیاز دارند تا همه دانش‌آموزان بتوانند از فرصت‌های برابر آموزشی

بهره‌مند شوند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که نظام آموزشی در این مناطق به طور مؤثری به این نیازها پاسخ نمی‌دهد و در نتیجه، کیفیت آموزش در این مناطق اغلب پایین‌تر از مناطق تک‌زبانه است.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات موجود در مدارس مناطق دوزبانه، عدم تطابق زبان آموزش با زبان مادری دانش‌آموزان است. در این مناطق، زبان رسمی که معمولاً به‌عنوان زبان تدریس استفاده می‌شود، برای بسیاری از کودکان غریبه است. این ناهماهنگی زبانی موجب می‌شود که دانش‌آموزان نتوانند مفاهیم درسی را به خوبی درک کنند و در نتیجه، عملکرد تحصیلی آن‌ها کاهش یابد. در کنار این، استفاده از زبان رسمی به‌عنوان ابزار آموزشی بدون فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب، می‌تواند منجر به از خود بیگانگی فرهنگی و زبانی در بین دانش‌آموزان شود.

علاوه بر مسئله زبان، کمبود معلمان آموزش‌دیده برای تدریس در محیط‌های دوزبانه نیز به ضعف آموزش در این مناطق دامن می‌زند. بسیاری از معلمان نه تنها به زبان محلی تسلط کافی ندارند، بلکه با شیوه‌های تدریس دوزبانه نیز آشنا نیستند. این وضعیت ارتباط بین معلم و دانش‌آموز را مختل کرده و فرآیند یادگیری را با چالش‌های بیشتری روبرو می‌کند.

همچنین، کمبود منابع آموزشی مناسب به زبان مادری یکی دیگر از مشکلات اساسی در این مناطق است. بیشتر کتاب‌ها، مواد آموزشی و برنامه‌های درسی موجود بر اساس زبان رسمی طراحی شده‌اند و به نیازهای زبانی و فرهنگی دانش‌آموزان دوزبانه توجهی ندارند. این عدم تناسب میان محتوا و نیازهای دانش‌آموزان، موجب می‌شود که آن‌ها نتوانند ارتباط مناسبی با محتوای درسی برقرار کنند.

پیامدهای این مشکلات، نه تنها در حوزه آموزشی بلکه در سایر ابعاد زندگی دانش‌آموزان نیز قابل مشاهده است. کاهش اعتماد به نفس، افزایش نرخ ترک تحصیل، و کاهش فرصت‌های شغلی و اجتماعی، از جمله تأثیرات منفی ضعف آموزشی در مناطق دوزبانه است. این مسئله در بلندمدت می‌تواند به نابرابری‌های عمیق‌تر اجتماعی و اقتصادی دامن بزند و توسعه پایدار جوامع را با مشکل مواجه کند.

بنابراین، مسئله ضعف آموزش در مدارس مناطق دوزبانه تنها یک چالش آموزشی نیست، بلکه معضلی است که پیامدهای آن می‌تواند بر تمام ابعاد زندگی افراد و جوامع تأثیر بگذارد. بررسی دقیق این مسئله و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت، گامی اساسی در جهت تحقق عدالت آموزشی و حمایت از هویت فرهنگی و زبانی این جوامع خواهد بود.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در حوزه آموزش دوزبانه انجام شده است که نشان می‌دهد زبان و فرهنگ نقش مهمی در فرآیند یادگیری ایفا می‌کنند. بررسی پیشینه تحقیق در این زمینه، به فهم بهتر ابعاد مختلف این مسئله و ارائه راهکارهای مؤثر برای بهبود کیفیت آموزش در مناطق دوزبانه کمک می‌کند.

نقش زبان مادری در یادگیری

مطالعات بین‌المللی مانند تحقیقات کامینز نشان داده‌اند که استفاده از زبان مادری در آموزش، پایه‌های قوی‌تری برای یادگیری زبان دوم و سایر دروس فراهم می‌کند. این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که دانش‌آموزانی که در مراحل اولیه تحصیل به زبان مادری خود آموزش می‌بینند، در درک مفاهیم و تفکر انتقادی موفق‌تر عمل می‌کنند. اما در بسیاری از مناطق دوزبانه، بی‌توجهی به زبان مادری باعث کاهش کیفیت یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شده است.

مشکلات زبانی و فرهنگی در مناطق دوزبانه

تحقیقات داخلی، مانند پژوهش‌های انجام‌شده در ایران (از جمله کارهای محققانی چون ملکی و بابایی)، نشان داده‌اند که در مناطقی مانند آذربایجان، کردستان، یا سیستان و بلوچستان، زبان رسمی آموزش (فارسی) برای بسیاری از دانش‌آموزان، زبانی غریبه است. این ناهماهنگی باعث می‌شود که دانش‌آموزان در درک مفاهیم درسی و برقراری ارتباط با معلمان دچار مشکل شوند. علاوه بر این، معلمان اغلب با فرهنگ و زبان محلی دانش‌آموزان آشنایی کافی ندارند، که این امر خود عاملی برای ایجاد شکاف در فرآیند یادگیری است.

کمبود معلمان متخصص و منابع آموزشی

پژوهش‌ها همچنین به کمبود معلمان متخصص برای تدریس در محیط‌های دوزبانه اشاره کرده‌اند. تحقیقات انجام‌شده در کشورهای مختلف، از جمله پژوهش‌های هوارد و سوتن (*Swain & Howard*)، نشان داده‌اند که معلمان باید برای آموزش دوزبانه، آموزش‌های تخصصی دریافت کنند. در ایران نیز، کمبود منابع آموزشی متناسب با زبان و فرهنگ محلی یکی از مشکلات جدی است که در مطالعاتی مانند کارهای صابری و فتاحی برجسته شده است.

پیامدهای آموزشی و اجتماعی ضعف آموزش دوزبانه

مطالعات نشان می‌دهند که ضعف آموزش در مناطق دوزبانه می‌تواند پیامدهای جدی داشته باشد، از جمله ترک تحصیل زودهنگام، کاهش اعتماد به نفس، و ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی. پژوهش‌های بیکر (*Baker*) بر تأثیرات منفی عدم تطابق زبانی بر اعتماد به نفس و هویت فرهنگی دانش‌آموزان تأکید دارند. در ایران نیز، مطالعاتی همچون کارهای شریفی نشان داده‌اند که عدم استفاده از زبان مادری در آموزش، به تضعیف هویت فرهنگی جوامع محلی منجر می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی

پژوهشگران متعددی به راهکارهایی برای بهبود وضعیت آموزش در مناطق دوزبانه اشاره کرده‌اند. استفاده از مدل‌های آموزش دوزبانه، تولید محتوای آموزشی به زبان مادری، و ارائه آموزش‌های تخصصی به معلمان از جمله این راهکارها است. پژوهش‌هایی مانند تحقیقات کامینز و گارسیس نشان داده‌اند که مدل‌های آموزش دوزبانه می‌توانند عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود بخشند.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که ضعف آموزش در مدارس مناطق دوزبانه ناشی از ترکیبی از عوامل زبانی، فرهنگی، و ساختاری است. توجه به این مسائل و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی در این حوزه، می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی مناسب و کاهش نابرابری‌ها کمک کند.

تاریخچه موضوع

موضوع آموزش در مناطق دوزبانه یکی از مباحث مهم در حوزه آموزش و پرورش بوده که در طول زمان با رویکردها و سیاست‌های مختلفی مواجه شده است. این مسئله به‌ویژه در جوامعی که دارای تنوع زبانی و فرهنگی بالایی هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، محققان و فعالان آموزشی را به خود جلب کرده است. بررسی

تاریخچه این موضوع نشان می‌دهد که چگونه جوامع مختلف در طول زمان با چالش‌های آموزش دوزبانه مواجه شده و برای حل آن تلاش کرده‌اند.

تاریخچه جهانی

در سطح جهانی، مسئله آموزش دوزبانه از قرن نوزدهم میلادی و با رشد امپراطوری‌ها و ملت‌سازی‌ها مطرح شد. بسیاری از دولت‌ها به دلایل سیاسی و اداری، یک زبان رسمی را برای آموزش و ارتباطات عمومی انتخاب کردند. این سیاست‌ها اغلب منجر به تضعیف زبان‌های محلی و کاهش فرصت‌های آموزشی برای جوامع دوزبانه شد.

- **اروپا:** در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کشورهایی مانند فرانسه و آلمان تلاش کردند زبان‌های محلی را حذف کرده و زبان ملی را به‌عنوان زبان اصلی آموزش اعمال کنند. این سیاست‌ها گاه با مقاومت شدید جوامع محلی مواجه شد، اما در بسیاری موارد منجر به نابرابری‌های آموزشی و اجتماعی شد.
- **آمریکای شمالی:** در ایالات متحده، مدارس شبانه‌روزی برای کودکان بومیان آمریکایی نمونه‌ای از سیاست‌های آموزشی بودند که زبان و فرهنگ بومی را سرکوب می‌کردند. این سیاست‌ها تا دهه ۱۹۶۰ ادامه یافت، اما پس از آن تلاش‌هایی برای احیای آموزش دوزبانه و تقویت زبان‌های بومی آغاز شد.

تاریخچه در ایران

در ایران، مسئله آموزش در مناطق دوزبانه از زمان تشکیل دولت مدرن در دوره قاجار و به‌ویژه پهلوی اول مطرح شد. با تصویب قانون آموزش عمومی و اجباری در سال ۱۳۱۳، زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی آموزش در مدارس تعیین شد. این سیاست با هدف یکسان‌سازی فرهنگی و تقویت هویت ملی ایران اعمال شد، اما به مرور زمان پیامدهایی منفی برای جوامع زبانی غیرفارسی‌زبان به همراه داشت.

- **دوره پهلوی:** در این دوره، سیاست‌های آموزشی متمرکز بر گسترش زبان فارسی بود و زبان‌های محلی به حاشیه رانده شدند. این موضوع در مناطقی مانند کردستان، آذربایجان، خوزستان و سیستان و بلوچستان منجر به کاهش ارتباط دانش‌آموزان با مفاهیم آموزشی و افت کیفیت یادگیری شد.
- **دوره پس از انقلاب اسلامی:** پس از انقلاب ۱۳۵۷، توجه به تنوع فرهنگی و زبانی در قانون اساسی گنجانده شد. اصل ۱۵ قانون اساسی به امکان تدریس زبان‌های محلی در کنار زبان فارسی اشاره می‌کند.

رویکردهای معاصر

در دهه‌های اخیر، با گسترش آگاهی نسبت به اهمیت زبان مادری در آموزش، رویکردهای جدیدی در سطح جهانی و ملی مطرح شده است. پژوهش‌های علمی تأکید دارند که آموزش به زبان مادری در مراحل اولیه تحصیل، بهبود قابل‌توجهی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

- **جهان:** کشورهایی مانند کانادا، هند و اسپانیا موفق به طراحی و اجرای مدل‌های آموزش دوزبانه شده‌اند که هم زبان مادری و هم زبان رسمی را تقویت می‌کند. این رویکردها نه تنها کیفیت آموزشی را افزایش داده، بلکه به حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز کمک کرده است.

- **ایران:** در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای ترویج آموزش دوزبانه صورت گرفته است، اما این تلاش‌ها اغلب به پروژه‌های محدود و آزمایشی ختم شده و تأثیر گسترده‌ای نداشته است. کمبود معلمان متخصص، منابع آموزشی مناسب، و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار از جمله موانع اصلی هستند.

تاریخچه آموزش در مناطق دوزبانه نشان می‌دهد که سیاست‌های یکسان‌سازی زبانی و بی‌توجهی به تنوع فرهنگی و زبانی، موجب نابرابری‌های آموزشی و اجتماعی شده است. با این حال، تغییر رویکردهای آموزشی و بهره‌گیری از مدل‌های دوزبانه در دهه‌های اخیر، امکان ایجاد تحول مثبت در این حوزه را فراهم کرده است. توجه به تاریخچه این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های بهتر و مؤثرتری برای رفع ضعف‌های آموزشی در مناطق دوزبانه باشد.

رفع ضعف آموزش در مدارس مناطق دوزبانه

برای بهبود کیفیت آموزش در مناطق دوزبانه و رفع چالش‌های مرتبط، باید راهکارهایی چندجانبه و مبتنی بر نیازهای زبانی و فرهنگی دانش‌آموزان تدوین و اجرا شوند. این راهکارها می‌توانند در سه سطح اصلی طراحی شوند: سیاست‌گذاری کلان، توسعه منابع و توانمندسازی معلمان. در ادامه، مهم‌ترین راهکارها در این زمینه ارائه می‌شوند:

پیاده‌سازی آموزش دوزبانه

آموزش دوزبانه یکی از مؤثرترین راهکارها برای بهبود کیفیت آموزش در مناطق دوزبانه است.

- **آموزش به زبان مادری در دوره ابتدایی:** تدریس مفاهیم پایه به زبان مادری دانش‌آموزان در سال‌های ابتدایی تحصیل، می‌تواند به درک بهتر دروس و تسلط بر زبان رسمی کمک کند.
- **تقویت زبان رسمی:** هم‌زمان با آموزش زبان مادری، برنامه‌هایی برای تقویت زبان رسمی به‌عنوان زبان دوم ارائه شود تا دانش‌آموزان برای مراحل پیشرفته‌تر تحصیل آماده شوند.

آموزش و توانمندسازی معلمان

معلمان نقش کلیدی در موفقیت آموزش دوزبانه دارند. بنابراین، توانمندسازی آن‌ها ضروری است.

- **برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه:** آموزش معلمان برای تدریس در محیط‌های دوزبانه و آشنایی آن‌ها با فرهنگ و زبان محلی.
- **استخدام معلمان بومی:** جذب و استخدام معلمان محلی که به هر دو زبان مادری و رسمی تسلط داشته باشند، می‌تواند ارتباط مؤثر میان معلم و دانش‌آموز را تسهیل کند.

طراحی منابع آموزشی مناسب

- **کتاب‌ها و محتوای آموزشی دوزبانه:** تولید کتاب‌ها و محتوای آموزشی متناسب با زبان و فرهنگ محلی، به‌گونه‌ای که نیازهای دانش‌آموزان دوزبانه را پوشش دهد.
- **استفاده از ابزارهای دیجیتال:** توسعه اپلیکیشن‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی که به زبان‌های مادری و رسمی ارائه شوند، می‌تواند ابزار مؤثری برای یادگیری باشد.

توجه به فرهنگ و هویت محلی

- ادغام فرهنگ محلی در محتوای آموزشی: استفاده از داستان‌ها، تاریخ و هنر محلی در برنامه درسی برای افزایش علاقه دانش‌آموزان به یادگیری و تقویت هویت فرهنگی آن‌ها.
- ترویج احترام به تنوع زبانی: برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی که بر اهمیت زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی تأکید داشته باشند.

حمایت سیاست‌گذاری و قانونی

- تقویت قوانین حمایتی: اجرای اصولی مانند اصل ۱۵ قانون اساسی ایران که بر امکان تدریس زبان‌های محلی در کنار زبان رسمی تأکید دارد.
- اختصاص بودجه ویژه: تخصیص منابع مالی کافی برای اجرای برنامه‌های آموزش دوزبانه و تولید محتوای آموزشی.
- تشکیل نهادهای تخصصی: ایجاد کمیته‌ها یا سازمان‌های ویژه برای مدیریت و نظارت بر آموزش در مناطق دوزبانه.

ارتقای آگاهی عمومی

- آگاه‌سازی والدین: ارائه کارگاه‌ها و برنامه‌هایی برای والدین در خصوص اهمیت زبان مادری و نقش آن در آموزش فرزندان.
- افزایش آگاهی معلمان و مدیران: آموزش مدیران مدارس و مسئولان آموزشی در خصوص مزایای مدل‌های دوزبانه و نحوه پیاده‌سازی آن‌ها.

پژوهش و ارزیابی مستمر

- تحقیقات منطقه‌ای: انجام پژوهش‌های علمی برای شناسایی دقیق مشکلات آموزشی در مناطق دوزبانه و بررسی اثربخشی راهکارهای ارائه‌شده.
- ارزیابی مداوم: نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و اثرات آموزش دوزبانه بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی آن‌ها.

راهکارهای ارائه‌شده زمانی مؤثر خواهند بود که با توجه به شرایط خاص هر منطقه طراحی و اجرا شوند. اجرای مدل‌های دوزبانه، توانمندسازی معلمان، تولید منابع آموزشی متناسب، و حمایت سیاست‌گذاران، می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش در مدارس مناطق دوزبانه کمک کرده و گامی در جهت تحقق عدالت آموزشی و حفظ تنوع فرهنگی باشند.

نتیجه‌گیری

آموزش در مناطق دوزبانه یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی در جوامع چندفرهنگی و چندزبانه است. در این مناطق، ناهماهنگی بین زبان مادری دانش‌آموزان و زبان رسمی آموزش، به یکی از عوامل اصلی ضعف آموزشی تبدیل شده است. این مسئله نه تنها بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، بلکه بر هویت فرهنگی، اعتماد به نفس و فرصت‌های آینده آن‌ها نیز تأثیر منفی دارد.

عدم استفاده از زبان مادری در سال‌های ابتدایی تحصیل موجب می‌شود که دانش‌آموزان مفاهیم درسی را به‌خوبی درک نکنند و ارتباط عاطفی با محیط آموزشی خود برقرار نسازند. همچنین، کمبود معلمان متخصص و منابع آموزشی متناسب با نیازهای زبانی و فرهنگی، مشکلات موجود را تشدید کرده و کیفیت یادگیری را در این مناطق کاهش داده است. این نابرابری آموزشی به ترک تحصیل زودهنگام، کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی برای رفع این چالش‌ها شامل اجرای برنامه‌های آموزش دوزبانه، تربیت معلمان متخصص، تولید منابع آموزشی متناسب، و تقویت سیاست‌گذاری‌های حمایتی است. تدریس به زبان مادری در دوره‌های ابتدایی، در کنار تقویت زبان رسمی به‌عنوان زبان دوم، می‌تواند پایه‌های یادگیری را در این مناطق محکم‌تر کند.

علاوه بر این، ایجاد ارتباط بین فرهنگ محلی و محتوای آموزشی می‌تواند دانش‌آموزان را به یادگیری علاقه‌مند کند و هویت فرهنگی آن‌ها را تقویت نماید. استفاده از معلمان بومی و آشنا به زبان و فرهنگ محلی، و بهره‌گیری از ابزارهای نوین مانند فناوری‌های دیجیتال، می‌تواند فرآیند آموزش را مؤثرتر کند.

در نهایت، ضعف آموزش در مناطق دوزبانه تنها یک چالش آموزشی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که نیازمند توجه جدی و تلاش همگانی است. توجه به این موضوع و اجرای برنامه‌های منسجم آموزشی نه تنها کیفیت یادگیری را در این مناطق بهبود می‌بخشد، بلکه می‌تواند به تحقق عدالت آموزشی، تقویت هویت فرهنگی و توسعه پایدار اجتماعی کمک کند.

فهرست منابع

۱. ملکی، علی (۱۳۹۴) عنوان: "نقش زبان مادری در آموزش و یادگیری در مناطق دوزبانه". فصلنامه آموزش و پرورش، شماره ۲۵، ص ۴۵-۵۸.
۲. فتحی، نادر (۱۳۹۶) عنوان: "چالش‌های آموزشی در مدارس مناطق دوزبانه: یک مطالعه موردی در استان‌های غربی ایران". مجله پژوهش‌های تربیتی، شماره ۱۲، ص ۸۷-۱۰۲.
۳. بابایی، مریم (۱۳۹۵) عنوان: "سیاست‌های آموزشی و زبان رسمی در مدارس دوزبانه: نقدی بر نظام آموزشی ایران". مجله علوم اجتماعی، شماره ۳۴، ص ۱۳۰-۱۴۵.
۴. شریفی، علی (۱۳۹۷) عنوان: "آموزش دوزبانه و تأثیر آن بر یادگیری زبان دوم: رویکردی به مناطق دوزبانه ایران". فصلنامه زبان‌شناسی و آموزش، شماره ۱۰، ص ۲۲-۳۶.
۵. صابری، حسن (۱۳۹۸) عنوان: "راهکارهای بهبود کیفیت آموزش در مدارس دوزبانه ایران". مجله آموزش و پرورش، شماره ۲۹، ص ۴۵-۶۰.
۶. زارعی، فاطمه (۱۳۹۵) عنوان: "چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در آموزش دوزبانه در مناطق مرزی ایران". مجله جامعه‌شناسی، شماره ۲۴، ص ۹۹-۱۱۳.
۷. پژوهشگران گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران (۱۳۹۳) عنوان: "آموزش دوزبانه در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها". مجله مطالعات زبان‌شناسی، شماره ۱۵، ص ۷۵-۸۹.

Weakness of Education in Bilingual Schools

Fayaz Jafari¹, Ribvar Ravand², Kayhan Nasri³

¹Elementary School Teacher, Kurdistan Province, Iran

²Elementary School Teacher, Kurdistan Province, Iran

³Elementary School Teacher, Kurdistan Province, Iran

Abstract

Education in bilingual areas faces several challenges that directly affect the quality of student learning. In these areas, the language of instruction is usually different from the students' native language, and this linguistic incompatibility leads to reduced comprehension of course concepts, academic failure, and sometimes cultural alienation. The lack of teachers specialized in bilingual teaching and the lack of educational resources appropriate to the linguistic and cultural needs of students are other factors that contribute to the weakness of education in these areas. The consequences of this problem include reduced self-confidence, early school leaving, and increased social and economic inequalities. However, the use of bilingual education models, training of expert teachers, and production of appropriate educational content can help improve the situation. This study, by focusing on examining various dimensions of educational weakness in schools in bilingual regions and providing practical solutions, has taken a step towards realizing educational justice and preserving cultural diversity.

Keywords: Bilingual education, mother tongue, educational justice, language inequality, dropout, cultural identity, bilingual regions.
